



پژوهشی

دو فصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی

دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان
سال سوم / شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۰



- خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول حدیثی مکتب قم
سهیلا پیروزفر، محمدمهدی آجیلیان مافوق
- نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان(ع) با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی
محمدتقی دیاری بیدگلی
- بررسی تحلیلی تعابیر ناظر بر «غلو و تفویض راویان» در منابع رجالی شیعه
محسن قاسم پور
- بررسی سخن پیشوای حنفیان: «لو لا السّتان لهلك النعمان»
پرویز رستگار
- علل ناهنجاری و روش کنترل آن از دیدگاه نهج البلاغه
محسن صمدانیان، فردوس میریان
- ارزیابی حدیث بساط (فرش پرنده)
مهدی جلالی، علی صادقی
- مشيخه ابان بن تغلب در طبقه صحابه و تابعین
حامد خانی (فرهنگ مهروش)
- مؤلفه های تصویر هنری در نامه سی و یکم نهج البلاغه
محمد خاقانی، حمید عباس زاده
- کاوشی در حدیث دحو الارض
سید علی اکبر ربیع نتاج، زهرا لازری

خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم

سهیلا پیروزفر*
محمد مهدی آجیلیان مافوق**

◀ چکیده:

در بررسی سیر تاریخی مکاتب حدیثی، گاه با خاندان‌هایی روبه‌رو می‌شویم که تأثیراتی اساسی بر تحولات آن مکاتب گذاشته‌اند، به طوری که نمی‌توان آن مکاتب را بدون در نظر گرفتن نقش و تأثیر این خاندان‌ها بررسی کرد. در این میان تأثیرات خاندان اشعری بر مکتب حدیثی قم آن قدر گسترده است که شاید بتوان تا نیمه اول و اواسط قرن سوم هجری، از مکتب حدیثی قم مترادف با مکتب حدیثی اشعریان یاد کرد. نویسندگان این مقاله به تشریح نقش اشعریان در پیدایش، توسعه و گسترش مکتب حدیثی قم در قرون اول تا سوم هجری پرداخته و سیر تحولات آن مکتب و میزان تأثیرپذیری آن از این خاندان را بررسی کرده‌اند.

◀ کلیدواژه‌ها:

خاندان اشعری، مکتب حدیثی قم، محدثان اشعری، قم، طبقات اشعریان.

* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد / Spirouzfard@um.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد / M.Mahdi_Ajilianemafogh@yahoo.com

درآمد

حوزه حدیثی قم یکی از مؤثرترین و فعال‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه، به‌خصوص در دو قرن سوم و چهارم هجری بوده است. این حوزه میراث‌دار مکتب حدیثی کوفه است که به دنبال مهاجرت خاندان‌ها و محدثان شیعی از کوفه، بر اثر اوضاع نابسامان و تشدید فشارهای سیاسی بر شیعیان در عراق از سوی حکام زمان، در این منطقه پایه‌گذاری شده است.

سابقه تشیع در این شهر به ربع آخر قرن اول هجری، هم‌زمان با مهاجرت خاندان اشعری به دنبال شکست قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بن قیس به این منطقه باز می‌گردد. (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۳۹۷-۳۹۸) ظاهراً موسی بن عبدالله بن سعد اشعری، تربیت شده کوفه و امامی‌مذهب، اولین کسی است که در قم تشیع را اظهار می‌کند. (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۷۸)

پیشینه تاریخ حدیثی این شهر نیز با مهاجران اشعری پیوند می‌خورد. حضور یازده نفر از فرزندان عبدالله بن سعد اشعری^۱ در زمره اصحاب و راویان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، و دیگرانی از سلسله انساب اشعری، گویای رواج فعالیت‌های حدیثی تشیع در قم در نیمه اول قرن دوم هجری است.

شاید بتوان خاندان اشعری را یکی از تأثیرگذارترین خاندان‌ها در سه قرن ابتدایی اسلام بر سیر تاریخی و حدیثی شهر قم دانست. از این رو، بررسی مکتب حدیثی این شهر بدون در نظر گرفتن تأثیر این خاندان و محدثان نام‌آشنای برخاسته از آن، بر سیر تحولات این مکتب، کاری ضعیف و ناقص خواهد بود. به همین سبب، در مقاله حاضر به تشریح نقش اشعریان در پیدایش، توسعه و گسترش مکتب حدیثی قم در قرون اول تا سوم هجری پرداخته و میزان تأثیرپذیری این مکتب از خاندان اشعری را بررسی کرده‌ایم.

پژوهش حاضر در سه محور، در صدد بررسی موضوع مطرح شده است:

الف. پیشینه اشعریان مهاجر به قم

۱. عبدالله بن سعد و احوص بن سعد، دو بزرگ اشعریان مهاجر به قم می‌باشند.

خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم

سهیلا پیروزفر*
محمد مهدی آجیلیان مافوق**

◀ چکیده:

در بررسی سیر تاریخی مکاتب حدیثی، گاه با خاندان‌هایی روبه‌رو می‌شویم که تأثیراتی اساسی بر تحولات آن مکاتب گذاشته‌اند، به طوری که نمی‌توان آن مکاتب را بدون در نظر گرفتن نقش و تأثیر این خاندان‌ها بررسی کرد. در این میان تأثیرات خاندان اشعری بر مکتب حدیثی قم آن‌قدر گسترده است که شاید بتوان تا نیمه اول و اواسط قرن سوم هجری، از مکتب حدیثی قم مترادف با مکتب حدیثی اشعریان یاد کرد. نویسندگان این مقاله به تشریح نقش اشعریان در پیدایش، توسعه و گسترش مکتب حدیثی قم در قرون اول تا سوم هجری پرداخته و سیر تحولات آن مکتب و میزان تأثیرپذیری آن از این خاندان را بررسی کرده‌اند.

◀ کلیدواژه‌ها:

خاندان اشعری، مکتب حدیثی قم، محدثان اشعری، قم، طبقات اشعریان.

* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد / Spirouzfar@um.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد / M.Mahdi_Ajilianemafogh@yahoo.com

درآمد

حوزه حدیثی قم یکی از مؤثرترین و فعال‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه، به‌خصوص در دو قرن سوم و چهارم هجری بوده است. این حوزه میراث‌دار مکتب حدیثی کوفه است که به دنبال مهاجرت خاندان‌ها و محدثان شیعی از کوفه، بر اثر اوضاع نابسامان و تشدید فشارهای سیاسی بر شیعیان در عراق از سوی حکام زمان، در این منطقه پایه‌گذاری شده است.

سابقه تشیع در این شهر به ربع آخر قرن اول هجری، هم‌زمان با مهاجرت خاندان اشعری به دنبال شکست قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بن قیس به این منطقه باز می‌گردد. (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۳۹۷-۳۹۸) ظاهراً موسی بن عبدالله بن سعد اشعری، تربیت شده کوفه و امامی مذهب، اولین کسی است که در قم تشیع را اظهار می‌کند. (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۷۸)

پیشینه تاریخ حدیثی این شهر نیز با مهاجران اشعری پیوند می‌خورد. حضور یازده نفر از فرزندان عبدالله بن سعد اشعری^۱ در زمره اصحاب و راویان امام باقر^{علیه السلام} و امام صادق^{علیه السلام} و دیگرانی از سلسله انساب اشعری، گویای رواج فعالیت‌های حدیثی تشیع در قم در نیمه اول قرن دوم هجری است.

شاید بتوان خاندان اشعری را یکی از تأثیرگذارترین خاندان‌ها در سه قرن ابتدایی اسلام بر سیر تاریخی و حدیثی شهر قم دانست. از این رو، بررسی مکتب حدیثی این شهر بدون در نظر گرفتن تأثیر این خاندان و محدثان نام‌آشنای برخاسته از آن، بر سیر تحولات این مکتب، کاری ضعیف و ناقص خواهد بود. به همین سبب، در مقاله حاضر به تشریح نقش اشعریان در پیدایش، توسعه و گسترش مکتب حدیثی قم در قرون اول تا سوم هجری پرداخته و میزان تأثیرپذیری این مکتب از خاندان اشعری را بررسی کرده‌ایم.

پژوهش حاضر در سه محور، در صدد بررسی موضوع مطرح شده است:

الف. پیشینه اشعریان مهاجر به قم

۱. عبدالله بن سعد و احوص بن سعد، دو بزرگ اشعریان مهاجر به قم می‌باشند.

ب. اشعریان و حدیث

ج. تأثیر خاندان اشعری بر سیر تحول مکتب حدیثی قم

بخش اول: پیشینه اشعریان مهاجر به قم

۱. نسب‌نامه اشعریان مهاجر

۱-۱. مالک بن عامر

اشعریان از قبایل مشهور یمن بودند که نسبشان به نبت بن ادد از بنی کهلان از اعراب قحطانی می‌رسد. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۵) وجه تسمیه شخص مذکور به اشعر این بود که وقتی از مادر متولد شد، تمام بدنش را مو فرا گرفته بود. به همین سبب اشعر، یعنی پر مو، خوانده شد. (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۶)

اشعریان ساکن قم عمدتاً از نسل عبدالله و احوص فرزندان سعد بن مالک بن عامر می‌باشند. مالک بن عامر که اولین نفر از اشعریان ساکن شبه جزیره عربستان در گرویدن به پیامبر ﷺ است، در کتب رجال جزء صحابه پیامبر ﷺ و با عنوان مالک بن عامر بن هانی بن خفاف اشعری معرفی شده است. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹-۳۰ / ابن حجر، ۱۸۵۳م، ج ۶، ص ۲۶)

داستان اسلام او را مؤلف تاریخ قم از زبان خود مالک بن عامر چنین نقل می‌کند: «مردی از اهالی مکه به میان اشعریان ساکن یمن آمده و از ظهور پیامبری در مکه خبر می‌دهد که مردم را به اسلام دعوت می‌کند. مالک که خود را در شگفت از این دین جدید و مشتاق یافتن حقیقت می‌یابد، تصمیم می‌گیرد که نزد پیامبر ﷺ در مکه برود و سخن او را بشنود. در این بین، عبد شمس و اسلم، دو عموی او مانعش می‌شوند و او را با ریسمان به بند می‌کشند. مالک بعد از رهایی یافتن از بند، بت قبیله را شکسته و به سمت مکه به راه می‌افتد. زمانی که به مکه می‌رسد پیامبر ﷺ در طلب او از منزل بیرون می‌آید و از او سؤالاتی می‌کند. به دنبال این گفت‌وگو، مالک شهادتین را به زبان می‌آورد و مسلمان می‌شود. نویسنده تاریخ قم اضافه می‌کند که مالک بار دیگر به همراه هفتاد مرد اشعری به

محضر پیامبر ﷺ حاضر می‌شود و برای او دو هجرت است. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۴۶-۷۴۸)

از دیگر اطلاعاتی که در دست است، حضور او در فتوحات اسلامی در زمان خلیفه دوم است. او که در فتح ایران همراه سپاه اسلام حضور داشته است، در روز مدائن با عبور از دجله موجبات پیروزی سپاه اسلام و فتح پایتخت ساسانیان را فراهم می‌کند و شجاعتی مثال زدنی برای خود به ثبت می‌رساند. (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۲۹-۳۰ / ابن حجر، ۱۸۵۳م، ج ۶، ص ۲۶) همچنین در فتح بصره، اهواز و اصفهان به فرماندهی ابوموسی اشعری شرکت داشته و به دستور ابوموسی به ناحیه جیل اعزام شده و بخش‌هایی از آن منطقه، از جمله ساوه را فتح کرده است. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۳۰)

مالک در جنگ صفین در رکاب حضرت علی علیه السلام حضور داشته و در این جنگ به شهادت رسیده است. (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۲۹-۳۰) علامه امینی نیز نام او را جزء ۱۴۵ صحابه‌ای آورده که در جنگ صفین همراه علی علیه السلام با معاویه جنگیده‌اند. (امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۹، ص ۳۶۷)

۱-۱-۱. سائب بن مالک بن عامر

سائب پسر مالک از اشراف کوفه و از شخصیت‌های بانفوذ و مؤثر در جریان قیام مختار بوده است. روحیه شیعی و ضد اموی از زمان او به شکلی آشکار در خاندان اشعری رواج می‌یابد و شاید بعدها باعث مهاجرت این خاندان از کوفه به قم می‌شود. شاید اولین نمونه آشکار ثبت شده در تاریخ بر این گرایش، زمانی باشد که حضرت علی علیه السلام از ابوموسی اشعری خواست تا از کوفه برای وی که عازم جنگ با ناکثین بود نیرو بفرستد. در این جریان، ابوموسی از سائب مشورت می‌خواهد و سائب در جواب او می‌گوید: «به نظر من از آنچه نوشته است، پیروی کن» (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۱۲) که این ارادت سائب به امام علی علیه السلام را نشان می‌دهد. (جعفریان، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۸۴) از دیگر جریاناتی که روحیه ضد اموی

سائب و گرایش شیعی او را نشان می‌دهد، پاسخ به عبدالله بن مطیع - فرستاده عبدالله بن زبیر به کوفه بعد از قتل مصعب بن زبیر - است. عبدالله بن مطیع بر منبر به مردم وعده عدالتی به شیوه و سیره عمر و عثمان می‌دهد اما سائب در پاسخ خواستار برقراری عدالت به شیوه و سیره علوی می‌شود. (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۴۸۹-۴۹۰ / ابن اعثم، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۴۹ / الامین، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۸۲)

حضور برجسته و فعال سائب در جریان قیام مختار، شاهدی دیگر بر گرایش عمیق شیعی و ضد اموی اوست. به نقل طبری، سائب از جمله پنج نفری بود که در زمان حبس مختار در زندان عبدالله بن زیاد در کوفه از مردم برای او بیعت می‌گرفت. (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۴۸۸-۴۸۹) همچنین به نقل تاریخ قم از ابومخنف، سائب جزء ده تن از اشراف کوفه بود که ضمانت مختار را کردند و باعث آزادی او از زندان شدند. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۹۸) نقش سائب در این قیام آن چنان برجسته است که حتی در زمان نبودن مختار، او قائم مقام و خلیفه در کوفه بود. (براقی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۷۳ / قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۰۷)

پایان کار سائب همراه با مختار به دنبال کشته شدن محمد بن اشعث به دست مصعب بن زبیر و محاصره قصر دارالاماره کوفه بود. در این جریان، مصعب همه اصحاب مختار را امان می‌دهد، اما سائب از قبول امان امتناع می‌ورزد. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۰۷-۸۰۹) در پایان، مختار به همراه نوزده نفر از یارانش، از جمله سائب، از قصر دارالاماره بیرون می‌آید و بالاخره در سال ۶۶ هجری طی سرکوب قیام مختار کشته می‌شود. (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۵۶۹-۵۷۰)

فرزند سائب به نام محمد به دست حجاج بن یوسف کشته می‌شود. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۱۱) بعضی کشته شدن او به دست حجاج را علت مهاجرت اشعریان از کوفه به قم دانسته‌اند که در بخش بعدی مقاله بررسی می‌شود.

۱-۲. سعد بن مالک بن عامر

درباره سعد اطلاع چندانی در دست نیست جز اینکه کتب رجال به دنبال ذکر حال پدرش، مالک بن عامر، از او به عنوان یکی از اشراف کوفه یاد کرده‌اند. (ابن

اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۲۹-۳۰ / ابن حجر، ۱۸۵۳م، ج ۶، ص ۲۶) دیگر آنکه سعد بن مالک، آن کسی است که در زمان خلافت عثمان نزد او درباره باده نوشی ولید بن عقبه امیر کوفه شهادت می دهد تا حد شرعی بر او جاری شود. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۱۲) اشعریان ساکن قم عمدتاً از نسل دو پسر او با نام های عبدالله و احوص می باشند. به نقل تاریخ قم عدد اشعریان ساکن این شهر به بیش از شش هزار نفر رسیده است که تنها از نسل ابوبکر، یسع، عمران و آدم فرزندان عبدالله دو هزار و چهار صد تن و از نسل فرزندان احوص، هزار و دویست نفر به وجود آمده اند. (همان، ص ۶۸۳-۶۸۴)

۲. علت مهاجرت اشعریان از کوفه به قم و سبب انتخاب این شهر

۱-۲. علت مهاجرت اشعریان

نویسنده تاریخ قم چندین روایت درباره علت مهاجرت برادران اشعری از کوفه به قم بیان کرده است. در این روایات، همراهی احوص با قیام زید بن علی بن الحسین (همان، ص ۶۹۶-۶۹۹)، بدرفتاری او با دهقانان و شکایت آنان نزد یوسف بن عمر ثقفی (همان، ص ۶۹۹-۷۰۲)، کشته شدن محمد- پسر سائب بن مالک- به دست حجاج بن یوسف در کوفه (همان، ص ۷۲۵-۷۲۹) همراهی اشعریان با قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث کندی در سال ۸۰ هجری (همان، ص ۷۳۴-۷۳۵)، علت مهاجرت این خاندان به قم دانسته شده است.

اگر این علل را در کنار روایات نقل شده درباره سال ورود اشعریان به قم بگذاریم، می توانیم دو علت اول را از دایره بحث خارج کنیم. مؤلف تاریخ قم سه روایت در این باره نقل می کند که در هر سه علی رغم اختلاف در ماه و روز ورود اشعریان به قم، سال ورود آنان به این شهر، سال ۹۴ هجری دانسته شده است. (همان، ص ۶۸۷-۶۹۵) با دانستن این مطلب که قیام زید در سال ۱۲۱ هجری رخ داده و ولایت یوسف بن عمر ثقفی بر عراق پس از عزل خالد قسری در سال ۱۲۰ هجری بوده است، می توان دو روایت اول را ناصحیح دانست.

تحلیلی در جمع علل بیان شده برای مهاجرت اشعریان به قم: از مجموع دو علت پذیرفته شده در بالا و آنچه درباره سائب بن مالک گفته شد، می توان وجه مشترک همه اخبار مربوط به مهاجرت اشعریان از کوفه را در دو مطلب خلاصه کرد:

۱. گرایش آشکار اشعریان به مذهب تشیع

۲. همکاری های آنان با مبارزان و مخالفان بنی امیه

اینکه اشعریان در کوفه مشهور به طرفداری و پیروی از علویان بوده اند و در جریان حوادث گذشته از جمله قیام مختار و اشعث، به مخالفت و ضدیت امویان شناخته می شدند، بر همگان روشن است؛ بنابراین محال بود مروان و پسرش عبدالملک، آنان را به عنوان دوست و هم پیمان بشناسند. لذا هر دو طرف در انتظار فرصتی مناسب در کمین یکدیگر نشسته بودند. به همین علت، حجاج، محمد بن سائب را از کوفه دور کرد و به عنوان مزدداری، بدون اینکه نیرویی در اختیارش بگذارد تنها به نام اینکه به جای هزار مرد کفایت است، به آذربایجان فرستاد، زیرا حضور محمد در کوفه ممکن بود مانع به نتیجه رسیدن نقشه هایش شود. محمد هم در مدت اقامتش در آذربایجان این نکته را دریافت و به همین علت، محل مأموریتش را ترک و بدون اجازه از حجاج و یا مطلع ساختن او به کوفه بازگشت و خود را پنهان کرد. حجاج هم که فرصت را مغتنم یافت، ابتدا محمد را با حيله دستگیر کرد و به قتل رساند و بعد از آن به آزار و شکنجه اشعریان پرداخت. اشعریان نیز بالاخره به اختیار و یا به اجبار آخرین راه خلاص و رهایی را انتخاب کردند و پای در رکاب مهاجرت گذاشتند. (مقدس زاده، ۱۳۳۵ش، ص ۳۱-۳۵)

۲-۲. علت انتخاب شهر قم برای مهاجرت از سوی اشعریان

در تحلیل این بحث توجه به سه مطلب ضروری است. مطلب اول، روایتی است که به همراهی مالک بن عامر با ابوموسی اشعری در فتح بصره، اهواز و اصفهان اشاره دارد. مالک پس از فتح ساوه و دفع شرّ کردهای طبرستان از این ناحیه، با

گروه دیلم که طرخرود^۱ را غارت کرده و مردم را به بردگی گرفته بودند، روبه‌رو شد و ضمن نابودی این گروه، اسیران را آزاد و اموالشان را به آنان باز گرداند. به دنبال این ماجرا، آن مردم به مالک پناه بردند و همراه و ملازم او شدند تا آن زمان که او به کوفه بازگشت. مالک نیز بعد از برگشتن به کوفه این داستان را برای فرزندان خود تعریف کرد و همین، علت پناه بردن اشعریان به آزادکردگان جد خود در طرخرود در نزدیکی قم است. (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۳۰-۷۳۱)

مطلب دوم، اعتراض عبدالله به برادرش احوص در انتخاب قم برای سکونت است. عبدالله که برای فروش اموال اشعریان در کوفه مانده و کمی دیرتر به گروه مهاجر ملحق شده بود، با مشاهده سکونت اشعریان در قم به برادرش احوص اعتراض می‌کند که چرا به اصفهان و یا قزوین که یکی از مرزهای بین سرزمین مسلمانان و کفار می‌باشد، نرفته است. احوص ضمن پاسخ به عبدالله در برابر اصرار او برای مهاجرت از قم امتناع ورزید تا اینکه عبدالله بر ماندن در این مکان راضی شد و احوص برای او در محل آتشکده‌ای قدیمی، مسجدی بنا کرد. (همان، ص ۷۰۹-۷۱۱)

مطلب سوم، درگیری اشعریان مهاجر با گروه دیلم و حفظ مردم قم از گزند آنان است. این گروه که همه ساله به این ناحیه حمله می‌کردند، بدون اطلاع از حضور اشعریان در این منطقه با انگیزه قتل و غارت به این ناحیه هجوم آوردند، اما با اشعریان مواجه شدند و ضمن شکست از این ناحیه گریختند. اهالی قم که از این موضوع بسیار خوشحال شدند از اشعریان خواستند که در این منطقه سکنا گزینند و میانشان عهدنامه‌ای منعقد گردید. (همان، ص ۷۰۶-۷۰۸، ۷۳۲، ۷۳۵-۷۳۶ و ۷۴۰)

چند نکته:

۱. با توجه به مطلب اول، شناخت اشعریان از ایران و مناطق مساعد آن برای مهاجرت و زندگی مسلم است.

۱. شهری در پنج فرسنگی جنوب غربی قم، بین قم، آوه و ساوه.

۲. مسیر حرکت اشعریان به سمت ایران و برای سکونت در یکی از شهرهای اصفهان یا قزوین است. اصفهان جایی است که پیش‌تر عرب مضریه به دنبال جنگ‌های صدر اسلام در آن سکنا گزیده است. قزوین نیز یکی از مرزهای مسلمانان با کفار محسوب می‌شود.^۱

۳. داستان درگیری مالک با گروه دیلم بسیار شبیه داستان درگیری اشعریان مهاجر با این گروه است. حال با توجه به اینکه یکی از منابع تاریخ قم، نقل‌های شفاهی و یا کتب نگارش شده بر این مبناست و با در نظر گرفتن تکرار بیشتر این داستان درباره اشعریان مهاجر، می‌توان نتیجه گرفت که این دو جریان در اصل یک داستان بوده و مربوط به اشعریان مهاجر است.

۴. با توجه به اعتراض عبدالله به احوص درباره اقامت در قم دانسته می‌شود که از ابتدا این شهر برای سکونت انتخاب نشده بود و تنها احوص که قبل از عبدالله در حرکت به سمت اصفهان یا قزوین است، به دلایلی در این منطقه اقامت گزید.

۵. درگیری اشعریان با گروه دیلم و مصون داشتن مردم قم از شر آنان و به دنبال آن، درخواست اهالی این شهر از اشعریان برای ماندن و انعقاد عهدنامه‌ای بین آنان، بهترین دلیل برای احوص در اقامت در این منطقه بوده است.^۲ آنچه گفته شد نکاتی در جمع علل سکونت اشعریان در قم بود که در کتب و مقالات در دسترس به آن اشاره نشده است.

۳. مذهب اشعریان مهاجر به قم

اولین گرایش‌های شیعی و ضد اموی اشعریان مهاجر به قم را می‌توان در حضور جدشان، مالک بن عامر، در جنگ صفین همراه علی ع و پس از آن، همراهی

۱. این نکته‌ای است که ضمن ارجاع مطلب دوم به آن اشاره شده است.

۲. این نیز مطلبی است که احوص خود در جریان گفت‌وگو با برادرش ابراز می‌دارد. عین عبارات احوص چنین است: «این موضع، ما را بهتر است و بر ما مبارک است و در اصفهان از عرب مضریه بسیارند، از هر یک قبیله و طایفه‌ای دیگر، قدر ما ندانند، و ما در میانه ایشان معزز و مکرم نباشیم.» (قمی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۰۹)

سائب بن مالک با قیام مختار در کوفه دانست. نکته‌ای که در این جریان بر تشیع سائب به وضوح دلالت دارد، سخنانی است که او بعد از شکست نیروهای زبیریان به دست نیروهای مختار و ورود آنان به کوفه بر زبان می‌راند. سائب در این زمان، سپاهیان را با تعبیر «یا شیعة آل رسول الله» مورد خطاب قرار می‌دهد. (ابن اعثم، ۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۶۲)

همان‌طور که قبلاً بیان شد، یکی از علل خروج اشعریان از کوفه، همراهی آنان با قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بود. در تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر، گرچه در ضمن شرح خروج عبدالرحمن بر حجاج، نامی از اشعریان و آمدنشان به قم نیامده است، اما این مطلب به روشنی بیان شده است که جمعی از تابعین و قاریان قرآن از جمله سعید بن جبیر - که از شیعیان معروف امام علی علیه السلام بوده است - در سپاه او قرار داشته‌اند. (طبری، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۳ / ابن اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۴۷۸-۴۷۹) حموی این مطلب را با نکته‌ای اضافه به پایان می‌برد که چون عبدالرحمن از سپاه حجاج شکست خورد، برادرانی از آل اشعر به ناحیه قم مهاجرت کردند. (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۳۹۷) این مطلب دلالت بر این دارد که اشعریان نیز در سپاه عبدالرحمن حضور داشته‌اند.

حال با توجه به اینکه سپاه عبدالرحمن با حجاج که از دشمنان سرسخت امام علی علیه السلام بود، مبارزه می‌کرد، و لشکری کوفی به حساب می‌آمد و اهل کوفه به تشیع شهره بودند، و وجود جمعی از دانشمندان و قراء تابعین در آن، از جمله سعید بن جبیر که از شیعیان معروف علی علیه السلام بود، ثابت است، و با توجه به سیاق سخن حموی که برادرانی از آل اشعر در این قیام حضور داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً این قیام، حرکتی شیعی بود و ثانیاً آن عده از اشعریان که به قم آمدند، شیعی مذهب بودند. (فقیهی، بی تا، ص ۳۸-۳۹)

همچنین می‌توان برخاستن راویان و محدثانی از این خاندان را، به فاصله کمی از حضورشان در قم، دلیلی دیگر بر تشیع آنان دانست. چه آنکه تا خاندانی در تشیع اصیل و سابقه‌دار نباشد، بعید است که در این فاصله اندک راویانی پرشمار

و مشهور از آن برخیزد. بر این اساس، باید تشیع اشعریان را، علی‌رغم جلوۀ بیشتر در مسائل سیاسی، تشیعی اعتقادی دانست که در ظهور محدثانی از این خاندان در میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام نمود پیدا می‌کند. این بحثی است که در قسمت بعد به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

بخش دوم: اشعریان و حدیث

۱. سابقۀ اشعریان در حدیث

ارتباط حدیثی اشعریان با مکتب علمی امامان علیهم‌السلام به زمان امام سجاده علیه‌السلام قبل از مهاجرت این خاندان به قم برمی‌گردد. قیس بن رمانه اشعری، از جمله اولین اشعریان شناخته شده در ارتباط با خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و حلقه حدیثی این خاندان با ائمه علیهم‌السلام را برقرار می‌کند. ابن شهر آشوب، وی را در شمار اصحاب امام سجاده علیه‌السلام آورده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۳۱۲) و شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۳)^۱ و امام صادق علیه‌السلام (همان، ص ۲۷۲)^۲ می‌داند. برقی نیز او و فرزندش مفضل را جزء اصحاب امام باقر علیه‌السلام می‌داند. (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۱۵) در این بین، آنچه صحابی امام سجاده علیه‌السلام بودن قیس را تقویت می‌کند، قرار گرفتن فرزند او، مفضل بن قیس بن رمانه، جزء اصحاب امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۵ و ۳۰۷) است. با توجه به این مطلب، حضور قیس در یک طبقه بالاتر از فرزندش مفضل، در شمار اصحاب امام سجاده علیه‌السلام محتمل‌تر است. این شخص از آن دسته اشعریانی است که همراه مهاجرین اشعری به قم نیامد و در کوفه باقی ماند.

در بین مهاجرین اولیه اشعری نیز محدثانی از این خاندان را می‌یابیم که همراه این گروه به قم نقل مکان کرده‌اند. بر اساس نقل حموی در *معجم البلدان* با مهاجرت یکی از فرزندان عبدالله بن سعد به قم، که تربیت شده کوفه و

۱. با نام قیس بن رمانه اشعری

۲. با نام قیس بن ابی مسلم اشعری کوفی

امامی مذهب است، تشیع به این شهر انتقال یافت. (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۳۹۷-۳۹۸) ظاهراً شخص مورد نظر حموی، موسی بن عبدالله است که تاریخ قم از وی به عنوان اولین اظهار کننده تشیع در قم یاد کرده است. (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۷۸)

با توجه به سابقه اشعریان در حدیث، برخاستن راویان و محدثانی از این خاندان به فاصله کمی از حضورشان در قم طبیعی می نماید. همین امر، علت حضور شماری از فرزندان عبدالله بن سعد و دیگر سلسله انساب اشعری، در شمار اصحاب و راویان امامان علیهم السلام در طبقه اول مهاجرین اشعری است.

۲. شمار اصحاب و راویان امامان علیهم السلام در طبقات محدثان اشعری

۲-۱. طبقه اول محدثان اشعری

همان گونه که اشاره شد، در طبقه اول اشعریان مهاجر، شماری از فرزندان عبدالله ابن سعد و دیگر سلسله انساب اشعری، در شمار اصحاب و راویان امامان معصوم علیهم السلام قرار دارند. این افراد که در زمره اصحاب امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام به شمار می آمده و عمدتاً در نیمه اول و اواسط قرن دوم هجری می زیسته اند، عبارت اند از:

۱. موسی بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام. (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۰/ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۱) شیخ طوسی در پایان نام او آورده است: «روی عنهما علیهما السلام» که منظور روایت وی از دو امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام است. (ر.ک: تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۳۶/ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۳۱) در واقع این شخص را باید حلقه واسط بین محدثان قمی و امامان معصوم علیهم السلام دانست.
۲. شعیب بن عبدالله اشعری: او که در کتب رجال با نام شعیب بن بکر بن عبدالله نیز آمده، از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دانسته شده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۶۵)^۱

۱. شیخ طوسی ضمن بیان نام عیسی ابوبکر بن عبدالله از دو برادرش موسی و شعیب یاد کرده است.

۳. عمران بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۷) کشی سه روایت درباره ملاقات وی با امام صادق علیه السلام نقل کرده که در آنها، امام تعبیرات جالبی درباره وی به کار برده است. روایت اول که حکایت از ملاقات عمران با امام در منا دارد، امام او را دعا کرده و فرموده است: «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَصْلِيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا، وَأَنْ يَظْلِكَ وَعْتَرَتِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ». در روایات دوم و سوم که گویای ملاقات عمران با امام در مدینه است، امام صادق علیه السلام با تعبیری چون «هذا من اهل بيت النجباء» و «هذا نجيب قوم النجباء، ما نصب لهم جبار إلا قصمه الله» او و اهل قم را ستوده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۲۳-۶۲۵) این روایات دلالت بر علو مرتبه عمران نزد امام صادق علیه السلام دارد.^۱

۴. آدم بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵۶/ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۷)

۵. ابوبکر بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۴۳)

۶. عبدالملک بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳۸/ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۴) و در روایتی امام درباره او فرموده است: «انه قوى الايمان» (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۷)

۷. یسع بن عبدالله اشعری: نام او در کتب اصلی رجال نیامده، اما از وی دو حدیث مستقیماً از امام صادق علیه السلام نقل شده که دلالت بر صحابی بودن او دارد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۱۳۳-۱۳۴)

۸. یعقوب بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۸) هر چند در کتب رجال از او اطلاعات چندانی در دست نیست، اما با توجه به نقل یاقوت حموی که از وی به عنوان یکی از عالمان شهر قم یاد کرده است (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۳۹۸) می توان نتیجه گرفت که او در زمان خود دانشمندی شناخته شده و پرآوازه بوده است.

۱. آیت الله خویی هر سه روایت کشی را تضعیف کرده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷)

۹. اسحاق بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۲/ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۸) نجاشی او را در زمرة راویان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام می‌داند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۳) شیخ طوسی از شخصی با نام اسحاق قمی در شمار اصحاب امام باقر علیه السلام یاد کرده (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۶) و برای او کتابی بر شمرده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۵) آیت الله خویی و دیگر علمای رجال این شخص را همان اسحاق بن عبدالله می‌دانند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۳۹/ الامین، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۷۱)
۱۰. ادريس بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۳) و امام کاظم علیه السلام (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۵۲) نجاشی وی را در زمرة راویان حضرت رضاء علیه السلام دانسته است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۴) او صاحب یک کتاب (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۴) و یک مجموعه مسائل (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۶) بوده که هر دو را محمد بن حسن بن ابی خالد معروف به شنبوله از او روایت کرده است.
۱۱. عیسی بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۸/ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۰) نجاشی از او در شمار راویان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام یاد می‌کند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۶) کشی دو روایت از امام صادق علیه السلام درباره او آورده است که در آن دو روایت امام با تعبیراتی چون «إنک منا اهل البيت» و «عیسی بن عبد الله هو منا حیا و هو منا میتا» او را ستوده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۲۴-۶۲۵) آیت الله خویی، روایت دوم کشی را صحیح، و آن را حاکی از جلالت قدر و رفعت مقام عیسی نزد امام صادق علیه السلام می‌داند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۲۱۳) در کتب رجال برای او یک مجموعه مسائل از حضرت رضاء علیه السلام نام برده شده که آن را محمد بن حسن بن ابی خالد معروف به شنبوله روایت کرده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۷/ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۷)
۱۲. احمد بن عیسی بن عبدالله اشعری: در کتب رجال از او در شمار اصحاب امامان علیهم السلام یاد نشده است. تنها اسم او در سند دو حدیث در کافی و یک حدیث

خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم □ ۲۱

در تهذیب الاحکام آمده که هر سه را مستقیماً از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۹۵ و ۱۹۷)

به این افراد می‌توان کسانی چون ابراهیم بن محمد اشعری، احوص بن سعد بن مالک بن احوص و فرزند او، عامر بن عبدالله بن سعد، عبیدالله بن سعد بن مالک بن احوص، سعد بن مالک بن احوص و... که شمار آنها به بیش از بیست نفر می‌رسد، اضافه کرد. این در حالی است که در فهرست ارائه شده در کتاب مکتب حدیثی قم، شمار محدثان قم در نیمه اول قرن دوم هجری به بیش از سی نفر نمی‌رسد. (جباری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۴-۱۵۵)

۲-۲. طبقه دوم محدثان اشعری

ارتباط اشعریان با مکتب حدیثی امامان علیهم السلام در طبقه دوم نیز حفظ شده و گسترش یافته است. حجم بیشتر مجموعه‌های کتب و مسائل در این طبقه، گویای این گسترش روابط است. در این طبقه نیز می‌توان از محدثانی در شمار اصحاب و راویان امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام که عمدتاً در نیمه دوم قرن دوم و اوایل قرن سوم می‌زیسته‌اند، نام برد.

۱. زکریا بن ادريس بن عبدالله اشعری: کنیه وی ابوجریر و در شمار اصحاب و راویان امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام آمده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۰ و ۳۴۷ و ۳۵۸/نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۳) در روایتی پس از مرگ وی از حضرت رضا علیه السلام درباره‌اش سؤال شده که امام برای وی از خداوند طلب رحمت و آمرزش می‌کند. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۷۳) از او بزرگانی چون صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، محمد بن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمن، و ابن مغیره روایت کرده‌اند. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۲۸۸ - ۲۸۹) برای او کتابی است که به طرق مختلف روایت شده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۳/نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۳) از او شش حدیث در کتب اربعه شیعه نقل شده است.

۲. زکریا بن آدم بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۰، ۳۵۸ و ۳۷۵) وی از راویان امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است و حدود چهل حدیث از او نقل شده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۲۸۴) نجاشی از او با تعابیری چون «ثقه، جلیل، عظیم القدر، کان له وجه عند الرضا علیه السلام» یاد کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۴) کشی روایات جالبی درباره وی نقل کرده است. در روایتی زکریا به امام رضا علیه السلام گفت: می‌خواهم از میان اهل بیت خود بروم، زیرا که انسان‌های احمق در میان آنان بسیار شده است. امام فرمود: «چنین کاری نکن، زیرا به سبب تو، بلا از اهل بیت دفع می‌گردد، همان‌طور که به سبب امام کاظم علیه السلام بلا از اهل بغداد دفع می‌گردد.» در روایت دیگر علی بن مسیب از امام رضا علیه السلام می‌پرسد که در زمان عدم دسترسی به شما، معارف دینی را از چه کسی فرا بگیریم؟ امام فرمود: «زکریا بن آدم، که امین در دین و دنیای شماست.» روایات دیگری نیز درباره وی از ائمه علیهم السلام نقل شده که از جمله آنان رقعته‌ای است که بعد از وفات او، از جانب یکی از معصومین علیهم السلام صادر شده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۵۷-۸۵۹) برای او یک کتاب و یک مجموعه مسائل برشمرده‌اند که به طرق مختلف روایت شده است. ظاهراً این مجموعه مسائل، سؤالات وی از حضرت رضا علیه السلام بوده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۲ / نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۴)

۳. سهل بن یسع بن عبدالله اشعری: شیخ طوسی وی را در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام آورده و به صحابی بودن او نزد امام کاظم علیه السلام اشاره می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۸) نجاشی نیز او را در زمره راویان امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام دانسته و برای وی کتابی ذکر کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۶) از او یازده حدیث در کتب اربعه شیعه نقل شده است.

۴. اسماعیل بن عیسی بن عبدالله اشعری: نامی از وی در کتب اصلی رجال نیامده است. از وی شانزده روایت مستقیماً از امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام نقل شده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۷۷-۷۸) برای او کتابی است که صدوق در بخش

خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم □ ۲۳

مشيخة من لا يحضره الفقيه به آن اشاره و به صحت آن حکم کرده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۵۸)

۵. مرزبان بن عمران بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام کاظم علیه السلام (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۵۱) و امام رضا علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۶) در روایتی مرزبان از امام رضا علیه السلام درباره تشیع خود سؤال می‌کند. امام در جواب وی را از شیعیان خود می‌داند. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۹۴) برای او کتابی است که صفوان بن یحیی آن را روایت کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲۳)

۶. ادریس بن عیسی بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام رضا علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۱)

۷. اسحاق بن آدم بن عبدالله اشعری: از رویان امام رضا علیه السلام و صاحب کتابی است که محمد بن ابی صهبان آن را روایت کرده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۵/نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۳)

۸. اسماعیل بن آدم بن عبدالله اشعری: نجاشی با تعبیراتی چون «وجه من القمیین و ثقه» او را ستوده است. همچنین کتابی برای وی برشمرده که محمد بن ابی صهبان آن را روایت کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷-۲۸) در کتب رجال درباره اینکه وی از چه کسی سماع حدیث کرده است، مطلبی نیامده و ابن داوود او را از کسانی می‌داند که از ائمه علیهم السلام روایت نکرده است. (ابن داوود حلی، ۱۳۹۲ق، ص ۴۹) اما با توجه به تعبیر «وجه» در کلام نجاشی می‌توان وی را محدث و کتابش را اثری حدیثی دانست. ظاهراً وی در عصر امام هشتم علیه السلام می‌زیسته است. (مهاجر، ۱۳۸۶ش، ص ۵۰)

۹. محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری: وی از امام رضا علیه السلام سماع حدیث و از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. نجاشی از او با تعبیراتی چون «شیخ القمیین، وجه الاشاعرة و متقدم عند السلطان» یاد کرده و کتاب الخطب را از آثار برشمرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۸) او از پدرش، محمد بن ابی عمیر و عبدالله بن مغیره بجلی روایت کرده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۱۱۵)

۱۰. سعد بن سعد بن مالک بن احوص اشعری^۱: از اصحاب امام کاظم علیه السلام (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۵۱)، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۸ و ۳۷۵) در روایتی امام جواد علیه السلام از خداوند برای او طلب جزای خیر کرده است، زیرا او به امام وفا کرده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۹۲) نام او در سند ۷۴ حدیث در کتب اربعه به چشم می خورد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۶۵) او صاحب کتابی باب بندی شده است و در امر تبویب حدیث بر دیگر محدثان قمی پیشگام است. همچنین صاحب کتابی غیر مبوب و مجموعه مسائلی از حضرت رضا علیه السلام می باشد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۹)

۱۱. اسماعیل بن سعد بن سعد بن احوص اشعری: وی که در کتب رجال با نام اسماعیل بن سعد الاحوص الاشعری القمی و اسماعیل بن الاحوص معرفی شده است، از جمله اصحاب امام کاظم علیه السلام (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۵۱) و امام رضا علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۲) است. از وی بیست حدیث از امام رضا علیه السلام در کتب اربعه روایت شده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۵۳)

۱۲. حمزة بن یسع بن یسع بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۰ و ۳۳۵) نجاشی ضمن توصیف فرزندش احمد، او را از راویان امام رضا علیه السلام می داند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۰)

۱۳. عمران بن محمد بن عمران بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام رضا علیه السلام. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۰) او صاحب کتابی است که احمد بن محمد بن خالد برقی آن را روایت کرده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۱/ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۲-۲۹۳)

۱۴. محمد بن سهل بن یسع بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام رضا علیه السلام. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۵) نجاشی او را از راویان امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام می داند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶۷) نام او در سند ۳۸۰ حدیث در کتب اربعه به چشم می خورد. (مهاجر، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵۴) او صاحب یک کتاب (نجاشی، ۱۴۱۶ق،

۱. در این طبقه و طبقات بعدی با گروهی از محدثان اشعری از نسل احوص روبه رو می شویم. احوص بن سعد - برادر عبدالله - از بزرگان اشعری مهاجر از کوفه به قم است.

خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم □ ۲۵

ص ۳۶۷) و یک مجموعه مسائل از حضرت رضا علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۵) است.

علاوه بر این افراد، می‌توان از کسانی چون ابراهیم بن یزید اشعری، ابراهیم بن محمد اشعری، جعفر بن عمران بن عبدالله بن سعد اشعری، حمزة بن عمران بن عبدالله بن سعد اشعری، فضل بن یزید اشعری، فضل بن محمد اشعری و... که شمار آن‌ها به حدود سی نفر می‌رسد، نام برد.^۱

یادآوری این نکته ضروری است که تا این زمان، یعنی مقارن با نیمه اول قرن سوم هجری و طبقه سوم محدثان اشعری، تفکیک محدثان اشعری از قمی کاری بس دشوار است. از همین روست که مرحوم خوانساری در کتاب *روضات الجنات* محدثان قمی را همان اشعریان دانسته که کم کم به قمی شهرت یافته‌اند. (خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۸۰) البته پس از این زمان، با مهاجرت خاندان‌ها و طوایف شیعی مختلف به این شهر و شهرت یافتن آنان به لقب قمی، نمی‌توان این لقب را مختص اشعریان دانست.^۲

۳-۲. طبقه سوم محدثان اشعری

مکتب حدیثی شکل یافته قم در دو طبقه قبل، در این طبقه تحت تأثیر اشعریان و ریاست آنان بر این مکتب، بعضی از ویژگی‌های خاص خود را بروز داده است. در این قسمت به معرفی شماری از محدثان اشعری این طبقه، مقارن با نیمه اول قرن سوم هجری می‌پردازیم و در بخش بعد، تأثیرات طبقات محدثان اشعری بر سیر تحول مکتب حدیثی قم را بررسی می‌کنیم.

۱. احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۳ و ۳۹۷ / برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۵۶ و ۶۰) وی

۱. درباره فهرست محدثان قمی، مقارن نیمه دوم قرن دوم، همچنین انتهای قرن دوم و ابتدای قرن سوم رجوع کنید به: جبّاری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۹-۱۵۵.

۲. در این باره در قسمت اول بخش سوم، توضیحات بیشتری ارائه خواهیم داد.

از امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام روایت کرده و از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام است. نجاشی از وی با تعبیر «وافد القمیین» یاد کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۱) منظور از وافد در اینجا شخصی است که برای پرسش سؤالات نزد ائمه علیهم السلام می آمده است. همچنین وی ناظر امام عسکری علیه السلام بر اوقاف قم بوده است. (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۱۱) او از کسانی است که امام زمان علیه السلام را دیده (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳) و توقیعی از سوی حضرت در توثیق وی صادر شده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۳۱) کشی روایات چندی را درباره وی نقل کرده که حاکی از علو مرتبت وی نزد ائمه علیهم السلام است. از آن جمله اینکه وی به هنگام حج، هزار دینار نیاز داشته است و حضرت با صدور توقیعی، دستور پرداخت آن مبلغ را به وی می دهند. در بازگشت از حج نیز از جانب حضرت، مالی به او پرداخت می شود. (همانجا) از جمله آثار او می توان به *علل الصوم*^۱ و *یا علل الصلاة*^۲ اشاره کرد که ظاهراً مجموعه بزرگی بوده است. همچنین برای او مجموعه مسائلی است که از امام هادی علیه السلام پرسیده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۰/ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۱)

۲. علی بن اسحاق بن عبدالله اشعری: شیخ طوسی از وی در شمار کسانی که از ائمه علیهم السلام روایت نقل نکرده، یاد می کند. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۴) برای او کتابی است که احمد بن محمد بن خالد آن را روایت کرده است. (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۸/ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۹-۲۸۰)

۳. احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد و امام هادی علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۱، ۳۷۳ و ۳۸۳) و از بزرگ ترین و برجسته ترین شخصیت های علمی دوران خود و رئیس و بزرگ شهر قم که نجاشی از او با عباراتی چون «شیخ القمیین و وجههم و فقیههم غیر مدافع» یاد کرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۲) نام او در سند ۲۲۹۰ حدیث در کتب اربعه

۱. بر اساس گفته نجاشی در *رجال النجاشی*.

۲. بر اساس گفته شیخ طوسی در *الفهرست*.

به چشم می‌خورد. (خویی، ۱۳۱۳ق، ج ۳، ص ۹۰) وی در دریافت و نقل حدیث بسیار سخت‌گیر بوده است، به طوری که حتی از محدث برجسته حسن بن محبوب نیز، به اتهام روایت از ابی حمزه^۱ نقل حدیث نکرده است. البته پس از مدتی از این نظر برگشته است. او از دیگرانی چون عبدالله بن مغیره و حسن بن خرزاذ به دلائلی نامعلوم روایت نمی‌کرده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۹۹) در زمان ریاست او بر حوزه حدیثی قم تعداد زیادی از متهمین به غلو نسبت به ائمه علیهم‌السلام از این شهر اخراج شده‌اند. از جمله این افراد احمد بن محمد بن خالد برقی است. البته او پس از مدتی از این کار پشیمان شده و ضمن عذر خواهی از برقی او را به این شهر برگردانده (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۳۹) و پس از درگذشت وی با پای برهنه در تشیع جنازه او حاضر شد. (حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳) از جمله آثار او می‌توان به کتاب *النوادر*^۲، *التوحید*، *فضل النبی*، *المتعنه*، *الناسخ و المنسوخ*، *فضائل العرب*، *الحج و الأظلة* اشاره کرد.^۳ (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۲)

۴. محمد بن اسحاق بن یعقوب بن عبدالله اشعری: از اصحاب امام جواد علیه‌السلام.

(طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۸/ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۵۶) ظاهراً وی صاحب تألیفات متعددی بوده که احمد بن محمد بن خالد برقی آنان را روایت کرده است، اما نامی از این کتب در آثار رجال‌نویسان بیان نشده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۴/ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴۵)

۱. این شخص را برخی علی بن ابی حمزه بطنانی (جباری، ۱۳۸۴ش، ص ۳۷۶) و برخی ابوحمزه شمالی دانسته‌اند. (مهاجر، ۱۴۲۹ق، ص ۴۰) بنا بر نظر دوم، از آن جایی که حسن بن محبوب متولد سال ۱۴۹هجری و ابوحمزه شمالی متوفای سال ۱۵۰هجری است و احمد بن محمد بن عیسی سماع را در نقل حدیث شرط می‌دانسته، از حسن بن محبوب نقل حدیث نمی‌کرده است.

۲. تنها اثر موجود تا زمان حاضر از آثار احمد بن محمد بن عیسی همین کتاب است. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر عبارت است از: اشعری، احمد بن محمد بن عیسی؛ *کتاب النوادر*؛ ج ۱، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، ۱۴۰۸ق.

۳. شیخ جعفر مهاجر در کتاب *رجال الاشعریین* به ۱۵ کتاب از آثار احمد بن محمد بن عیسی اشاره کرده است. (مهاجر، ۱۳۸۶ش، ص ۴۰)

۵. محمد بن ریان بن صلت اشعری: از اصحاب امام هادی علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۱) او با عنوان محمد بن ریان از امام جواد علیه السلام نیز روایت کرده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۹۰) برای او یک مجموعه مسائل از امام عسکری علیه السلام (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۰) و یک کتاب که بین او و برادرش علی بن ریان مشترک است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۴) برشمرده‌اند.

۶. علی بن ریان بن صلت اشعری: شیخ طوسی از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸۹ و ۴۰۰) وی از وکلای امام هادی علیه السلام در قم بوده است. (ابن داوود حلی، ۱۳۹۲ق، ص ۱۳۸) نام او در سند ۲۷ روایت در کتب اربعه به چشم می‌خورد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۲۸) از جمله آثار او نسخه‌ای از امام هادی علیه السلام، کتاب *منثور الاحادیث* (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۸) و کتابی مشترک بین او و برادرش محمد بن ریان می‌توان نام برد. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۴)

۷. سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری: روشن نیست که نسب او به کدام یک از نسب‌های مشهور اشعریان برمی‌گردد، اما با توجه به قرائنی، از جمله این که احمد بن محمد بن عیسی از پدر او روایت کرده، باید وی را در طبقه سوم اشعریان مهاجر جای داد. شیخ طوسی از او هم در شمار اصحاب امام عسکری علیه السلام و هم در باب «من لم یرو عن الأئمه» یاد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۹ و ۴۲۷) نجاشی با تعبیراتی چون «شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها» او را توصیف کرده است. او از پیشگامان سماع حدیث از غیر محدثان شیعه بوده و در طلب حدیث به مسافرت رفته است. از جمله محدثان غیر شیعی که وی از آنان سماع حدیث کرده است، می‌توان از حسن بن عرفه بن یزید و محمد بن عبدالملک دیقی و محمد بن ادیس ابوحاتم رازی و عباس بن عبدالله ترقفی نام برد. او صاحب آثار بسیاری است که از جمله می‌توان به کتاب *الرحمة* - اولین کتاب فقهی جامع در زمینه فقه عبادات - اشاره کرد.^۱ این اثر که شامل پنج کتاب وضو، صلوات، زکات، صوم و حج

۱. شیخ صدوق در مقدمه کتاب *من لا یحضره الفقیه* از این اثر در زمره کتب مشهوری یاد می‌کند که به آن ارجاع داده است. (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۳-۴)

است، در زمینه فقه عبادات تنظیم یافته است. از دیگر آثار او می‌توان کتاب‌های بصائر الدرجات، الضیاء فی الرد علی محمدیه و الجعفریه، فرق الشیعه، الرد علی الغلاة، ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه، فضل الدعاء و الذکر، جوامع الحج، مناقب رواة الحدیث، مثالب رواة الحدیث، المتعه، الرد علی بنی ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس، قیام اللیل، الرد علی المجبره، فضل قم و الکوفه، فضل ابی طالب و عبدالمطلب و ابی النبی علیه السلام، فضل العرب، الإمامه، فضل النبی صلی الله علیه و آله، الدعاء، الاستطاعة، احتجاج الشیعه علی زید بن ثابت فی الفرائض، النوادر، المنتخبات، المزار، مثالب هشام و یونس و مناقب الشیعه نام برد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۷-۱۷۸) نام او در سند ۱۱۴۲ حدیث در کتب اربعه به چشم می‌خورد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۸۳)

۸. احمد بن موسی بن ابوبکر بن عبدالله اشعری: در کتب رجال از او با نام احمد بن ابی زاهر موسی ابوجعفر اشعری یاد شده است. شیخ طوسی از وی در شمار افرادی یاد می‌کند که از ائمه علیهم السلام روایتی نقل نکرده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۱۶) او از بزرگان قم نقل روایت کرده و محمد بن یحیی عطار از اصحاب خاص او بوده است. از جمله آثار او می‌توان به کتاب‌های احادیث الشمس و القمر، البداء، الجبر و التفویض، الجمعة و العیدین، الزکاة، الصفة الرسل و الانبیاء و الصالحین، ما یفعل الناس حین یفقدون الامام و النوادر اشاره کرد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۸)

۹. آدم بن اسحاق بن آدم بن عبدالله اشعری: ظاهراً وی از هیچ یک از ائمه علیهم السلام روایتی نقل نکرده و تنها نامش در سند سیزده حدیث در کتب اربعه شیعه به چشم می‌خورد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۱۰) او صاحب کتابی است که احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد بن عبدالجبار آن را روایت کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۶/ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۵)

۱۰. عبدالله بن محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری: لقب او بنان و با نام بنان بن محمد در سند ۶۶ حدیث در کتب اربعه آمده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۴،

ص ۲۷۳) همچنین با نام عبدالله بن محمد بن عیسی نامش در سند ۴۴ حدیث به چشم می خورد. (همان، ج ۱۱، ص ۳۳۴)

۱۱. علی بن احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری: از او دو روایت در کتب اربعه به چشم می خورد. همچنین صاحب کتابی است که احمد بن محمد بن خالد برقی آن را روایت کرده است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷۱)

۱۲. محمد بن علی بن محبوب اشعری: روشن نیست که نسب او به کدام یک از نسب‌های مشهور اشعریان برمی گردد، اما با توجه به قرائنی، از جمله روایت او از احمد بن محمد بن عیسی و علی بن ریان بن صلت و روایت احمد بن ادريس اشعری از او، می توان وی را در همین طبقه یاد کرد. شیخ طوسی از او در شمار کسانی یاد کرده است که از ائمه علیهم السلام روایت نکرده اند. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۸) نجاشی نیز با عباراتی چون «شیخ القمیین فی زمانه، عین، فقیه، صحیح المذهب» او را ستوده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴۹) نام او در سند ۱۱۱۸ حدیث در کتب اربعه به چشم می خورد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۱۰) از جمله آثار او می توان از کتاب *الجامع* نام برد که کتابی مبوّب و شامل کتاب *الوضوء*، کتاب *الصلاة*، کتاب *الزکاة*، کتاب *الصیام* و کتاب *الحج* است و در فقه عبادات تنظیم شده است. همچنین می توان به کتاب *الضیاء و النور* اشاره کرد که این نیز کتابی مبوّب و شامل کتاب *الاحکام*، کتاب *النکاح*، کتاب *الطلاق*، کتاب *الرضاع*، کتاب *الحدود* و کتاب *السدیات* است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۲) از دیگر آثار او کتاب‌های *الثواب*، *الزمر*، *الزبرجدة و التولد* است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴۹) بر این اساس او را نیز باید از پیشگامان تبویب کتب حدیثی در قم دانست چه آنکه در بین آثار او دو کتاب مبوّب به چشم می خورد.

در مجموع، شمار بالای احادیث نقل شده توسط محدثان اشعری این طبقه، گویای رشد و پویایی حدیث در بین خاندان اشعری در این برهه زمانی است. حجم بالای آثار ثبت شده برای محدثان این طبقه نیز تایید کننده این مطلب است.

در اینجا تذکر این مطلب ضروری است که سیر محدثان اشعری پس از این زمان، به دلایل نامعلومی، رو به افول گذاشته و پس از احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، ریاست مکتب حدیثی قم نیز از دست آنان خارج شده است.

بخش سوم: تأثیر خاندان اشعری بر سیر تحول مکتب حدیثی قم

۱. طبقات محدثان اشعری و تأثیر آن بر شکل‌گیری مکتب حدیثی قم

با مهاجرت اشعریان به قم، تشیع نیز به این شهر منتقل شد. مراد از تشیع در بدو امر، همان مثنوی مذهبیه مهاجران اشعری است که با گذشت زمان، بر اثر حفظ ارتباط مستمر با امامان علیهم‌السلام، عمق یافته و منجر به شکل‌گیری مکتب حدیثی قم شده است. این امر را می‌توان یکی از عوامل شکل‌گیری مکتب حدیثی قم دانست که با ظهور محدثان و راویان حدیث در طبقات اول و دوم محدثان اشعریان تحقق یافته است.

از این نظر باید دو نفر اول محدثان اشعری در طبقه اول را، به جهت حضور در شمار اصحاب امام باقر علیه‌السلام و تقدم زمانی، حلقه واسطه بین مکتب حدیثی امامان علیهم‌السلام و تشیع مذهبیه در قم دانست. همچنین باید توجه داشت که پس از این دو، نه تنها ارتباط اشعریان با مکتب حدیثی امامان علیهم‌السلام کاهش نیافته بلکه به مرور زمان گسترش نیز می‌یابد. این مطلب را تعداد رو به رشد محدثان اشعری در بین اصحاب ائمه علیهم‌السلام در طبقات اول و دوم تأیید می‌کند.

گسترش روابط اشعریان با مراکز استقرار امامان علیهم‌السلام به طور طبیعی اندوخته‌های حدیثی فراوانی را به قم منتقل می‌کند و مبدأ شکل‌گیری مکتب حدیثی این شهر می‌شود. حاصل این ادامه روابط، دو کتاب و دو مجموعه مسائلی است که برای محدثان طبقه اول بیان شده است. البته شکل‌گیری مجموعه‌های مسائل مختص این طبقه نیست و تنها نمایانگر نوعی از ارتباط محدثان اشعری با امامان علیهم‌السلام است، به طوری که در طبقات بعدی ما به افرادی برمی‌خوریم که با تعبیر «وافد القمیین» یعنی «فرستاده اهل قم نزد امامان علیهم‌السلام» از آنان یاد شده است.

بنابراین شاخصه اصلی اشعریان در طبقه اول را باید حفظ و گسترش ارتباط با امامان علیهم السلام دانست. در طبقه دوم نیز این ارتباط حفظ شده و شکل عمیق تری به خود می گیرد. نمونه این مطلب در کلام مؤلف تاریخ قم این گونه آمده است: «دیگر از مفاخر ایشان آنکه ائمه علیهم السلام جمعی از اشعریان را گرامی داشتند و بدیشان هدایا و تحف فرستادند و بعضی را از ایشان کفن ها فرستادند مثل ابی جریر زکریا بن ادريس و زکریا بن آدم و عیسی بن عبدالله بن سعد و غیر ایشان که یاد کردن اسامی آنان به تطویل می انجامد و بعضی دیگر از ایشان را مشرف گردانیدند و تشریف فرستادند به انگشتی ها و جامه ها...» (قمی، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۷۹)

قرار گرفتن شماری از محدثان این طبقه در زمره خواص اصحاب امامان علیهم السلام نشانگر عمق این ارتباط است. همچنین امامان علیهم السلام جایگاه بعضی از اشعریان را بسیار بالا برده و در مسائل دینی به آنان ارجاع داده اند. حجم بالای آثار مکتوب برای راویان این طبقه شاهدی دیگر است، به طوری که برای اکثر راویان اشعری در این طبقه، کتاب یا اثر مستقلی یاد شده است.

هر چند تفکیک بین دو طبقه اول و دوم خاندان اشعری امری بس دشوار بود و طبقه بندی ارائه شده بر اساس شواهدی اندک گرد آمده است، با این همه، مسلم است که در نسل دوم محدثان اشعری، ارتباط با امامان معصوم علیهم السلام عمق بیشتری یافته است که البته این نیز حاصل همان حفظ ارتباط در طبقه اول بوده که به مرور زمان جلوه گر گشته است. بنابراین مکتب حدیثی قم هم زمان و متأثر از این دو طبقه شکل گرفته و حیات علمی خود را آغاز کرده است.

این مکتب نوینیان در اولین دوره، شاگردان نام آشنایی را می پروراند که در واقع می توان از طبقه سوم محدثان اشعری به عنوان اولین طبقه محدثان قمی نام برد؛ زیرا محدثان اشعری در طبقات اول و دوم غالباً تربیت شده مکتب حدیثی کوفه و منتقل کننده میراث این مکتب به قم می باشند. همچنین بعید به نظر می رسد که در این فاصله اندک، از زمان مهاجرت اشعریان به قم تا طبقه سوم این خاندان، ساکنان محلی قم علاوه بر پذیرش اسلام و مذهب تشیع، به جرگه اصحاب امامان علیهم السلام و

محدثان قمی پیوسته باشند؛ و آنچه در کتب تاریخی از آن به عنوان تشیع مذهبی در ربع آخر قرن اول هجری در قم یاد شده است، چیزی جز تشیع مهاجران اشعری و غلبه آنان بر مردم محلی قم نیست. آنچه در این بین ساکنان محلی قم و اشعریان مهاجر را کنار هم قرار داده چیزی جز عهدنامه‌ای سیاسی که به دنبال غلبه اشعریان بر گروه دیلم منعقد می‌شود، نیست که نقض آن عهدنامه از سوی ساکنان محلی به استیلاي اشعریان بر شهر قم منجر می‌شود.^۱ از همین رو، آن‌چنان که مرحوم خوانساری نیز بیان کرده‌اند، معتقدیم محدثان قمی همان محدثان اشعری‌اند که با گذشت زمان به قمی شهرت یافته‌اند. (خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۸۰) البته از نظر نگارندگان این مقاله، این سخن تا همین زمان یعنی مقارن با اوایل قرن سوم هجری و طبقه سوم محدثان اشعری صحیح است، زیرا پس از این زمان، با مهاجرت خاندان‌ها و طوایف شیعی مختلف به این شهر^۲ و شهرت یافتن آنان به لقب قمی نمی‌توان این لقب را مختص اشعریان دانست.

۲. استقبال اشعریان از سادات طالبی و تأثیر آن بر غنای حدیثی شهر قم

برخی در بیان علت مهاجرت سادات طالبیه به قم نوشته‌اند: «یکی از مهم‌ترین مناطق شیعه‌نشین که سادات طالبیه در آنجا منزل گزیدند، قم بود. چنان‌که دانسته شد، نخستین گروهی که از قوم عرب با گرایش شیعی به این منطقه آمدند، خاندان اشعری بود که از کوفه بدان‌جا هجرت کرده بودند. این خاندان با توجه به گرایش مذهبی خود، ساداتی را که به قم پناه می‌آوردند، مورد احترام و حمایت خود قرار می‌دادند و از آنان می‌خواستند تا به قم هجرت کنند. با مهاجرت برخی از سادات، اقوام و خویشان آنان نیز به این مناطق روی آوردند.» (خضری و...، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۶۱)

۱. درباره این عهدنامه و نقض آن توسط ساکنان محلی قم، رک: قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۵۳-۲۵۶.

۲. از جمله این خاندان‌ها و طوایف شیعی می‌توان از سادات طالبیه و کسانی از بنی اسد و موالی آنان و... نام برد.

(جعفریان، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۲۱۲)

قرار گرفتن این مطلب در کنار روایات صادر شده درباره اهمیت و جایگاه قم در نزد امامان معصوم علیهم السلام که همگی ناظر بر جریان شیعی در این شهر به رهبری اشعریان است، می تواند توجیه گر مهاجرت سادات طالبی به این شهر باشد. از جمله این روایات می توان به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره کرد که فرمودند: «همانا برای خداوند حرمی می باشد و آن مکه است و همانا برای پیامبر صلی الله علیه و آله حرمی می باشد و آن مدینه است و همانا برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی می باشد و آن کوفه است و همانا برای ما حرمی می باشد و آن قم است...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۲۱۶-۲۱۷) همچنین در روایتی دیگر از ایشان، از شیعیان خواسته شده که در موقع شیوع فتنه های بنی عباس به کوفه و نیز به قم و حوالی آن بروند، زیرا در قم شیعیان و محبان ما قرار دارند. (همان، ص ۲۱۵) پر واضح است که هر دوی این روایات و روایات مشابه^۱ به حضور اشعریان شیعی مذهب در قم اشاره دارد. این دو مطلب، به خوبی نقش اشعریان در مهاجرت سادات طالبی به قم را نمایان می سازد.

در بین مهاجران سادات طالبی که در کتاب *منتقلة الطالبیین* به نام بیش از سی نفر آنان با اولاد و فرزندان شان اشاره شده است (ابن طباطبا، ۱۳۷۷ق، ص ۲۵۱-۲۵۸) محدثان و راویانی برجسته حضور داشته، و یا از نسل آنان محدثان و راویانی این چنینی برخاسته که خود بر غنای مکتب حدیثی قم افزوده است. از جمله این سادات می توان از حمزة بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید، معروف به قزوینی، نام برد که شیخ صدوق از وی بسیار روایت کرده و ظاهراً از مشایخ اوست. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۹۲) همچنین می توان از حمزة بن عبدالله بن حسین کوکبی نام برد که از ری به قم آمد و در آنجا وفات یافت. او دارای چند فرزند بود. از جمله علی بن حمزه که فرزند او، ابوالفضل محمد بن علی، از فقها و راویان امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۲۷-۲۲۸)

۱. ر.ک: مجلسی، *بهار الانوار*، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۲۱۳-۲۱۷.

در مجموع باید گفت مهاجران طالبی که از شهرهای مدینه و کوفه به قم می‌آمدند، مکاتب حدیثی این شهرها و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) را نیز به قم منتقل می‌کردند که علاوه بر افزایش غنای علمی و حدیثی قم، موجبات مرجعیت علمی و حدیثی این شهر را در قرون سه و چهار فراهم آورده است. یادآوری این مطلب ضروری است که این همه ناشی از حضور اشعریان در قم و استقبال آنان از سادات و خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

۳. مرجعیت و پویایی علمی اشعریان

خاندان اشعری از زمان مهاجرت به قم تا اواسط قرن سوم هجری، نقشی اساسی بر سیر تحولات مذهبی و علمی شهر قم داشته که از جمله می‌توان به ریاست آنان بر حوزه حدیثی این شهر و مرجعیت علمی آن‌ها در طول این دوران اشاره کرد.

مرجعیت علمی اشعریان که در بالاترین حد مورد تأیید و امضای امامان (علیهم‌السلام) بوده؛^۱ موجبات مرجعیت علمی شهر قم و مکتب حدیثی این شهر را فراهم آورده است. از همین رو، مقارن با طبقه سوم محدثان اشعری، شاهد حضور محدثانی جهت سماع حدیث در این شهریم که از جمله می‌توان به ریان بن شبیب (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۶۵)، حسین بن سعید اهوازی و برادرش حسن که ابتدا به اهواز و از آنجا به قم می‌آیند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۲)، قاسم بن حسن بن علی بن یقطین (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۶) و عبدالرحمن بن ابی حماد صیرفی (همان، ص ۲۳۸) و... اشاره کرد. همین افراد پس از استقرار در قم، در فهرست محدثان قمی جای گرفته‌اند.

تحول در نگارش و تدوین کتب حدیثی را می‌توان یکی دیگر از تأثیرات اشعریان بر مکتب حدیثی قم در این دوره دانست. نگارش حدیث که با مجموعه‌های مسائل و کتب در بین اشعریان آغاز شد، با مرور زمان حجم آن رو

۱. در واقع نمی‌توان نقش اساسی تأییدات امامان (علیهم‌السلام) را در قوت گرفتن فعالیت‌های حدیثی اشعریان در شهر قم نادیده گرفت.

به افزایش گذاشت و از نظر ساختاری و کیفی کامل تر شد؛ برای مثال، می توان از سعد بن سعد بن مالک بن احوص به عنوان پیشگام امر تبویب کتب حدیثی نام برد. همچنین می توان به کتاب *الرحمة* اثر سعد بن عبدالله بن ابی خلف به عنوان اولین کتاب جامع فقهی در زمینه فقه عبادات و کتاب *الجامع* اثر محمد بن علی بن محبوب در همین موضوع اشاره کرد. پیدایش این کتابها در آن عصر یعنی نیمه اول قرن سوم حکایت از پویایی علمی اشعریان دارد.

۴. خاندان اشعری و جهت‌دهی برخی ویژگی‌ها و مبانی فکری مکتب

حدیثی قم

مقارن با طبقه سوم محدثان اشعری، هم‌زمان با ریاست و مرجعیت علمی آنان بر مکتب حدیثی قم، برخی ویژگی‌ها و مبانی فکری این مکتب تحت تأثیر مستقیم خاندان اشعری شکل می‌یابد. از جمله این ویژگی‌ها سخت‌گیری در پذیرش روایات، همچنین برخورد قاطع با راویان احادیث ضعیف و مبارزه با اندیشه‌های غلوآمیز نسبت به ائمه علیهم‌السلام است.

پیش‌تر گذشت که احمد بن محمد بن عیسی در دریافت و نقل حدیث بسیار سخت‌گیر بوده، به طوری که حتی زمانی از محدث برجسته حسن بن محبوب نیز، به اتهام روایت از ابی حمزه^۱ نقل حدیث نمی‌کند؛ البته او پس از مدتی از این نظر برگشته است. او از دیگرانی چون عبدالله بن مغیره و حسن بن خرزاذ نیز به دلائل نامعلومی روایت نمی‌کند. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۹۹) گرچه این سخت‌گیری‌ها، گاه خالی از افراط نبوده است، اما وجود چنین روحیه‌ای در حوزه حدیثی قم، موجبات نوعی اطمینان به روایات این حوزه و شیوخ و محدثان آن را

۱. این شخص را برخی علی بن ابی حمزه بطنانی (جباری، ۱۳۸۴ش، ص ۳۷۶) و برخی ابوحمزه ثمالی دانسته‌اند. (مهاجر، ۱۴۲۹ق، ص ۴۰) بنا بر نظر دوم، از آن جایی که حسن بن محبوب متولد سال ۱۴۹ هجری و ابوحمزه ثمالی متوفای سال ۱۵۰ هجری است و احمد بن محمد بن عیسی سماع را در نقل حدیث شرط می‌دانسته، از حسن بن محبوب نقل حدیث نمی‌کرده است.

فراهم آورده است، به طوری که در دوره‌های بعد، محدث برجسته‌ای چون حسین بن روح نوبختی، از نواب اربعه امام زمان، کتاب حدیثی را که از نظر اعتبار مشکوک می‌نمود به نزد علمای حوزه قم فرستاده تا پس از مطالعه، نظر خود را درباره صحت و سقم احادیث آن بیان دارند. (طوسی، بی‌تا، ص ۲۴۰) همین نگاه و حساسیت در پذیرش روایات در عصرهای بعدی در روایت نکردن محدثان قمی از بعضی افراد و نوع جرح و تعدیل‌های متناسب با مبانی فکری محدثان قمی بروز کرده است. (ر.ک: جباری، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷-۳۷۸)

از دیگر ویژگی‌های مکتب حدیثی قم که تحت تأثیر مستقیم خاندان اشعری است مبارزه با اندیشه‌های غلوآمیز نسبت به ائمه علیهم‌السلام است. این مسئله که نتیجه طبیعی رشد جریان غالبی در قرن سوم است، با برخورد شدید محدثان اشعری در قم مواجه می‌شود و از نفوذ در اندیشه قمی‌ها باز می‌ماند. نقطه اوج این برخورد را باید سال ۲۵۵ هجری دانست که در آن، احمد بن محمد بن عیسی طی حرکتی عمومی، اقدام به اخراج غالیان از شهر قم می‌کند. (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۳۹/حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳ نیز ر.ک: دوانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۰)

احمد بن محمد بن خالد برقی یکی از اخراج شدگان در این جریان است. (همان) اخراج برقی که شخصاً دانشمندی موثق است، تنها به علت روایت از راویان ضعیف و اعتماد بر احادیث مرسل انجام می‌پذیرد. ابن غضائری درباره علت اخراج او از قم نوشته است: «طعن القمیون علیه و لیس الطعن فیه، انما الطعن فی من یروی عنه؛ فانه لا یبالی عمن یأخذ، علی طریقہ اهل الاخبار.» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۳۹) از دیگر اخراج شدگان می‌توان از سهل بن زیاد نام برد که پس از اخراج به ری رفت و در آنجا سکنا گزید. علت اخراج وی غلو، کذب (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۵) روایت احادیث مرسل و روایت از راویان مجهول (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۶۶) دانسته شده است. همچنین می‌توان به ابوسمینه محمد بن علی بن ابراهیم صیرفی اشاره کرد. او که بر احمد بن محمد بن عیسی وارد شده و مدتی نزد او مانده، پس از شهرت به غلو از قم اخراج شد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۲)

قمی‌ها در اقدامی بالاتر تصمیم گرفتند ابوجعفر محمد بن اورمه قمی را که متهم به داشتن عقاید غلوآمیز و هواداری از چنین افکاری بود، به قتل برسانند، اما چون او را در حال نماز از اول تا آخر شب یافتند از این کار منصرف شدند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۹)

در مجموع باید علت اخراج این عده و شاید عده‌ای دیگر از محدثان را در سال ۲۵۵ هجری توسط احمد بن محمد بن عیسی، جنبه غلو، اعتماد بر مراسیل و روایت از راویان ضعیف یا مجهول دانست که البته همگی برخلاف مبانی حدیثی پذیرفته شده در مکتب حدیثی قم بوده است. البته احمد بن محمد بن عیسی نسبت به بعضی از این افراد، از جمله احمد بن محمد بن خالد برقی، تغییر موضع داده و او را به قم باز گردانده است. شاید علت این تغییر موضع نسبت به برقی، این باشد که اخراج او نه به خاطر جنبه غلو بلکه به خاطر اعتماد بر مراسیل بوده است.

نتیجه‌گیری

خاندان اشعری با ورودشان به قم نقش مهمی بر سیر تحولات این شهر داشته‌اند. با مهاجرت این خاندان به قم اولاً مذهب تشیع در این شهر رواج یافته و ثانیاً مکتب حدیثی این شهر پایه‌گذاری شده است.

نکته مهم در این زمینه، حضور تعداد قابل توجهی از محدثان، در همان طبقه اول مهاجران اشعری، در شمار اصحاب و راویان امامان علیهم‌السلام است؛ زیرا تشیع مذهبی و صرف اشعریان، با نمود بیشتر در مسائل سیاسی در زمان مهاجرت از کوفه به قم، نمی‌تواند توجیه‌گر این حضور در آن زمان اندک باشد. بر این اساس، سابقه اشعریان در حدیث در زمان حضورشان در کوفه بررسی شده و روشن گردید که آنان با خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مکتب علمیشان بی‌ارتباط نبوده‌اند. حضور قیس بن رمانه اشعری در شمار اصحاب امام سجاده علیه‌السلام شاهدی بر این ارتباط است. همچنین امکان حضور محدثانی از این خاندان در بین گروه مهاجر بررسی گشت و محتمل دانسته شد.

با توجه به این اطلاعات، می‌توان معتقد شد با مهاجرت اشعریان به قم، نه تنها یک جریان مذهبی بلکه جریانی حدیثی در این شهر نفوذ کرده است. این جریان حدیثی در کنار مشی مذهبی غالب اشعریان در اندک زمانی پس از حضور این خاندان در قم منجر به شکل‌گیری مکتب حدیثی این شهر شد. با ادامه و گسترش روابط اشعریان با مکتب علمی امامان علیهم‌السلام، بر غنای علمی حوزه قم افزوده شد و منجر به ظهور بعضی از ویژگی‌های خاص این مکتب تحت تأثیر اشعریان شد. همچنین حضور سادات طالبی در این شهر که به علت استقبال اشعریان از آنان اتفاق می‌افتد، بر رونق علمی این شهر افزود.

در نیمه اول و اواسط قرن سوم، مقارن با مرجعیت اشعریان در قم و ریاستشان بر این حوزه، برخی ویژگی‌ها و مبانی فکری مکتب حدیثی قم، تحت تأثیر مستقیم اشعریان شکل گرفته است. از جمله این دیدگاه‌ها می‌توان به سخت‌گیری در پذیرش روایات، همچنین برخورد قاطع با راویان احادیث ضعیف و مبارزه با اندیشه‌های غلوآمیز نسبت به ائمه علیهم‌السلام اشاره کرد. در مجموع، تأثیرات خاندان اشعری بر سیر تحولات مکتب حدیثی قم در قرن‌های دوم و نیمه اول قرن سوم هجری آنقدر گسترده است که شاید بتوان در این زمان از مکتب حدیثی قم مترادف با مکتب حدیثی اشعریان یاد کرد.



منابع^۱

۱. ابن اثیر، عزالدین؛ *اسد الغابة فی معرفة الصحابه*؛ تحقیق و تعلیق محمد ابراهیم البنا و محمد احمد عاشور، بی جا: دارالشعب، بی تا.
۲. _____؛ *الکامل فی التاریخ*؛ بیروت: دار صادر للطباعة و النشر و دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ق/ ۱۹۶۶م.
۳. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابی الفضل؛ *الاصابة فی تمییز الصحابه*؛ تحقیق عمرو و یونس، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۸۵۳م. (جلد ۳ این کتاب شامل جلدهای ۵ و ۶ چاپ های قدیم است).
۴. ابن اعثم، احمد؛ *الفتوح*؛ ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م.
۵. ابن داوود حلّی، السید؛ *رجال ابن داوود*؛ تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م.
۶. ابن سعد، محمد؛ *الطبقات الکبری*؛ بی جا: دار صادر، بی تا.
۷. ابن شهر آشوب، السید؛ *مناقب آل ابی طالب*؛ تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشرف، نجف: مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ق/ ۱۹۵۶م.
۸. ابن طباطبا، ابراهیم بن ناصر؛ *منتقلة الطالبیه*؛ ج ۱، نجف: انتشارات المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۸ق/ ۱۹۶۸م.
۹. ابن غضائری، احمد؛ *رجال ابن الغضائری*؛ تحقیق سید محمدرضا جلالی، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش.
۱۰. اشعری، احمد بن محمد بن عیسی؛ *کتاب النوادر*؛ ج ۱، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۱۱. امینی، علامه؛ *الغدیر*؛ ج ۴، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م.
۱۲. الامین، محسن؛ *اعیان الشیعه*؛ حقه و اخرجه حسن الامین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.

۱. منابعی که در آن ها اسم کوچک مؤلف ذکر نشده، منابع نرم افزاری اند که از نرم افزار مکتبه اهل البيت علیهم السلام استفاده شده است.

خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم □ ۴۱

۱۳. براقی، السید؛ *تاریخ الکوفه*؛ تحقیق ماجد احمد العطیه، استدراکات محمد صادق آل بحر العلوم، ج ۱، بی جا: انتشارات المکتبه الحیدریه، ۱۴۲۴ق / ۱۳۸۲ش.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ *رجال البرقی*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۱۵. نفرشی، السید؛ *نقد الرجال*؛ تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۸ق.
۱۶. جباري، محمدرضا؛ *مکتب حدیثی قم: شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری*؛ قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۴ش.
۱۷. جعفریان، رسول؛ *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری*؛ ج ۱، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵ش.
۱۸. حلی، علامه؛ *خلاصه الاقوال*؛ تحقیق جواد قیومی، ج ۱، بی جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۱۹. حموی، یاقوت؛ *معجم البلدان*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.
۲۰. خوانساری، محمد باقر؛ *روضات الجنات*؛ ج ۱، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۰ق.
۲۱. خوبی، السید؛ *معجم رجال الحدیث*؛ ج ۵، بی جا: بی نا، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۲م.
۲۲. خضری، احمد رضا و...؛ *تاریخ تشیع*؛ ج ۲، بی جا: سمت، ۱۳۸۵ش.
۲۳. دوانی، علی؛ *مفاخر اسلام*؛ بی جا: بنیاد فرهنگی امام رضا (علیه السلام)، بی تا.
۲۴. سمعانی، السید؛ *الانساب*؛ تعلیق عبدالله عمر البارودی، ج ۱، بیروت: دار الجنان للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
۲۵. صدوق، الشیخ؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ج ۲، بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، بی تا.
۲۶. طبری، السید؛ *تاریخ الطبری*؛ مراجعه و تصحیح و ضبط: نخبة من العلماء الاجلاء، ج ۴، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۲۷. طوسی، الشیخ؛ *اختیار معرفة الرجال*؛ تصحیح و تعلیق میر داماد استرآبادی و تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۲۸. _____؛ *الفهرست*؛ تحقیق جواد قیومی، ج ۱، بی جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.

۴۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

۲۹. _____؛ رجال الطوسی؛ تحقیق جواد قیومی اصفهانی، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۵ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن؛ کتاب الغیبه؛ بیروت: دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
۳۱. فقیهی، علی اصغر؛ تاریخ مذهبیه قم؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۳۲. قمی، حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری؛ تاریخ قم؛ ترجمه تاج الدین حسن خطیب، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، ج ۱، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۵ش.
۳۳. _____؛ تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۱ش.
۳۴. مجلسی، علامه؛ بحار الانوار؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۳۵. مقدس زاده، سید محمد؛ رجال قم و بحشی در تاریخ آن؛ بی جا: چاپخانه مهر ایران، ۱۳۳۵ش.
۳۶. مهاجر، الشیخ جعفر؛ رجال الاشعریین من المحدثین و اصحاب الائمة علیهم السلام؛ قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۳۷. نجاشی، السید؛ رجال النجاشی؛ ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۱۶ق.
۳۸. نمازی شاهرودی، علی؛ مستدرک علم رجال الحدیث؛ ج ۱، تهران: شفق، ۱۴۱۲ق.